

## رابطه جنسیت، وضعیت تأهل و شیوه اعمال قدرت در خانواده با دین‌داری دانشجویان دانشگاه مازندران

سید مهدی متولیان، استادیار، گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر،

ایران \*

سید مهدی حسینی شیروانی، دکتری علوم قرآنی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

زهرا نوری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد آشتیان، ایران

### چکیده

دین، نهاد مهم اجتماعی است که با تاروپود جامعه ایران گره خورده و منشأ تحولات مهمی همچون انقلاب اسلامی شده است. در این زمینه برای گسترش دین‌داری در کشور به‌ویژه بین جوانان تلاش‌های زیادی انجام شده است؛ بنابراین، با توجه به اهمیت دین‌داری، در پژوهش حاضر تلاش شده است میزان دین‌داری و عوامل مرتبط با آن بین دانشجویان بررسی شود. نمونه آماری ۴۰۷ نفر از دانشجویان پسر و دختر مقطع کارشناسی دانشگاه مازندران است که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای ۱۵ کلاس درس به‌صورت تصادفی انتخاب شد و به مقیاس شیوه اعمال قدرت در خانواده (خوش‌فر و محمدی‌نیا، ۱۳۹۳) و مقیاس دین‌داری (Glock & Stark, 1965) پاسخ دادند. نتایج نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان (۵۴/۳٪) دین‌داری بالایی دارند و تفاوتی در دین‌داری پسران و دختران وجود ندارد؛ اما متأهلان از مجردها دین‌دارترند. براساس ضرایب رگرسیون گام‌به‌گام، سه متغیر شیوه اعمال قدرت دموکراتیک، استبدادی و وضعیت تأهل ۱۳ درصد واریانس دین‌داری را پیش‌بینی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: دین‌داری، دانشجویان، وضعیت تأهل، دموکراتیک، استبدادی، جنسیت

## مقدمه و بیان مسئله

دین، نهاد مهم اجتماعی است که در کنار نهادهای خانواده، آموزش، اقتصاد و حکومت همواره در همه دوره‌های زندگی بشری با انسان‌ها همراه بوده است (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۹: ۱). برخی پژوهشگران معتقدند دین در اساس تعریف‌کردنی نیست (طالبان و رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹: ۹۶). با وجود این، در پژوهش حاضر از نظر شجاعی‌زند - برگرفته از دیدگاه هیمل فارب (1975) - استفاده شده است که در تعریف دین‌داری می‌گوید: دین‌داری یعنی داشتن اهتمام دینی؛ به‌طوری که بر نگرش، گرایش و کنش‌های فرد تأثیر بگذارد. بدین معنی که فرد دین‌دار هم خود را ملتزم به رعایت فرمان‌ها و توصیه‌های دینی می‌داند و هم رفتارهای دینی، او را از دیگران متفاوت می‌نمایاند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱: ۳۶).

نظریه‌پردازان بر اهمیت دین در جامعه تأکید دارند. آگوست کنت بر لزوم وجود داشتن دین در جهان مدرن اشاره دارد (نایی و آزادارمکی، ۱۳۸۵: ۷۶). براساس نظر او، انسان به دین نیاز دارد؛ زیرا خواهان دوست داشتن چیزی برتر از خود است. کنت دین را عامل وحدت، نوع‌دوستی و مشروعیت‌بخشی می‌داند (موحد و کایدان، ۱۳۸۶: ۹ و ۸). ویر، دین را جهت‌دهنده به جامعه می‌داند و دورکیم بر کارکرد اجتماعی دین تأکید دارد (نایی و آزادارمکی، ۱۳۸۵: ۷۶). دین با تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم به کنترل اجتماعی در جامعه کمک می‌کند (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). دین کارکردهای فردی مانند احساسی، بهداشت روانی، اخلاقی و رفتاری، معرفت‌زایی و کارکردهای اجتماعی مانند همبستگی، آزادی اجتماعی، عدالت اجتماعی، هویت‌سازی و بستری برای فرهنگ و تمدن‌سازی را برای بشر داشته است (قدردان‌قرامکی، ۱۳۸۹: ۷). همچنین دین کارکردهای اساسی مانند انضباط، انسجام و خوشبختی‌آفرینی دارد (موحد و کایدان، ۱۳۸۶: ۳). دین در حفظ تعادل روان‌شناختی افراد جامعه نقش دارد و به‌ویژه در زمان سرگشتگی و اضطراب انسان‌ها در زندگی پیچیده شهری کنونی، به انسان‌ها کمک می‌کند به‌سوی آرامش گام

بردارند (سراج‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۲: ۸). حتی روان‌شناسان برای تسکین دردهای جسمی نیز مردم را تشویق به گرویدن به دین می‌کنند (بهرامی‌مشعوف، ۱۳۷۳).

در جامعه ایران به‌منزله یک جامعه دیندار (ربانی و بهشتی، ۱۳۹۰: فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸؛ آنکوب‌نژاد، ۱۳۸۸) نیز دین با زندگی مردم گره خورده و بر همه جوانب زندگی آنان اثر گذاشته است (نایی و آزادارمکی، ۱۳۸۵: ۴). حتی منشأ تحولات مهمی همچون انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بوده است (طالبان و رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹). پس از انقلاب نیز به دین و امور دینی توجه بیشتری شد (تاج‌بخش و موسوی، ۱۳۹۳) و در کشور تلاش شد تا همه نهادها، اسلامی شوند و دین‌داری مردم هم افزایش یابد (طالبان و رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹).

با توجه به نقش مهم دین در جامعه، گزارش‌ها نشان می‌دهند میزان دین‌داری در همه کشورها در حال کاهش است؛ به‌طوری که زاکرمن (۱۳۹۶) می‌گوید برای اولین بار در تاریخ نروژ و بریتانیا اکنون تعداد ملحدان و لادری‌گرایان بیشتر از مؤمنان به خداوند است و تعداد جوامع سکولار از جوامع دین‌دار بیشتر شده است. حتی در ۱۳ کشور اسلامی که الحاد مجازات مرگ دارد، همچنان نشانه‌های متعددی مبنی بر دین‌گریزی و سکولارشدن وجود دارد. اینگلهارت نیز اشاره دارد که اگر کشوری توسعه یابد دین‌داری در آن جامعه حالت نزولی پیدا می‌کند (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۳۹). نظریه سکولاریزاسیون هم اشاره می‌کند که با مدرن‌شدن جوامع، دین‌داری مردم آن جوامع کم می‌شود (نایی و آزادارمکی، ۱۳۸۵: ۷۷).

صاحب‌نظران دیگر نیز ضمن اشاره به کم‌رنگ‌شدن دین و نمادهای دینی در آینده، استناد خود را به گزارش‌هایی ارتباط می‌دهند که نشان می‌دهند مردم در گذشته بیشتر از امروزه دین‌دار بودند و مردم در زمان فعلی بیشتر از مردم آینده دین‌دار خواهند بود (طالبان و رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹: ۸۹)؛ البته برخی معتقدند دین با شرایط تغییر می‌کند ولی باقی می‌ماند (طالبان و رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹: ۸۸)؛ اما گروهی با استناد به پژوهش‌های انجام‌شده نظر بدبینانه‌تری به آینده دین‌داری

دارند و معتقدند دین در حال زوال و محو شدن است (زاگرم، ۱۳۹۶؛ طالبان و رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹: ۸۹).

در کشور ما نیز با وجود تلاش دست‌اندرکاران امور دینی در گسترش دین بعد از انقلاب اسلامی، مشکل کم شدن جایگاه دین بین مردم مشاهده می‌شود (طالبان و رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹: ۸۸)؛ البته برخی معتقدند فرق چندانی بین دین‌داری نسل جدید با نسل‌های قبل وجود ندارد و آنچه را که برخی کاهش دین‌داری می‌دانند در اصل عبور از سبک سنتی است (آزادارمکی، ۱۳۹۶)؛ اما پژوهشگران دیگر به کم شدن دین‌داری بین مردم اشاره دارند؛ برای مثال طالبان و رفیعی‌بهبادی اشاره می‌کنند که بیشتر شاخص‌های دین‌داری در ایران از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۸ کاهش یافته است (طالبان و رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۱). کلاتری و کلاتری نشان می‌دهند نسل کنونی از نسل قبلی دین‌داری کمتری دارند (کلاتری و کلاتری، ۱۳۹۱: ۱۷۳). فرجی و کاظمی با بررسی پیمایش‌های انجام شده در سه دهه گذشته، به روند نزولی مناسب جمعیت دین‌داری اشاره کرده‌اند (فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸: ۸۰). سفیری و نعمت‌اللهی نیز نشان دادند هرچه میزان استفاده از اینترنت بیشتر شود، دین‌داری کاهش می‌یابد (سفیری و نعمت‌اللهی، ۱۳۹۱: ۳۹). میرزایی (۱۳۹۶) ادعان می‌کند که شاخص «عامل بودن» به دین در جامعه پایین آمده است. حسینی (۱۳۹۶) نیز مشکل روز جامعه را کم شدن حس خداآوری می‌داند.

از طرف دیگر با توجه به اینکه بیش از پنجاه درصد از افراد کشور را جوانان تشکیل می‌دهند و جامعه ایران، جوان به حساب می‌آید و با در نظر گرفتن تغییراتی که در ارزش‌های جوانان به وجود آمده است (نوبدینیا و عابدینی، ۱۳۹۰: ۵۷) و همچنین با توجه به نقش جوانان در آینده کشور، توجه و بررسی دین‌داری بین جوانان کشور اهمیت دارد.

بنابراین، نیاز است عواملی که با دین‌داری جوانان رابطه دارند، شناسایی و بررسی شوند تا با کمک آنها بتوان میزان دین‌داری جوانان را تقویت کرد و از مزایای دین‌داری بهره برد؛ بنابراین، در پژوهش حاضر عوامل مؤثر بر دین‌داری بین

دانشجویان دانشگاه مازندران بررسی می‌شوند. از آنجا که پدیده‌های اجتماعی مانند دین‌داری چندعاملی‌اند (ریانی و بهشتی، ۱۳۹۰: ۸۳) و شناخت همزمان همه عوامل در یک زمان امکان‌پذیر نیست و با توجه به اینکه در جامعه ایران نظام پدرسالاری حاکم است (یزدخواستی و شیرینی، ۱۳۸۷: ۵۵) و در این نظام شرایط به نفع مردان است و مردان قدرت بیشتری نسبت به زنان دارند (بنی‌فاطمه و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵) و شرایط برای مدیریت مستبدانه بیشتر در محیط خانواده فراهم می‌شود و با توجه به تأثیر وضعیت تأهل بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸) از جمله دین‌داری، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤالات است:

۱. میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه مازندران چقدر است؟
۲. شیوه اعمال قدرت میان خانواده‌های دانشجویان دانشگاه مازندران استبدادی است یا دموکراتیک؟
۳. آیا شیوه اعمال قدرت در خانواده‌های دانشجویان دانشگاه مازندران با میزان دین‌داری دانشجویان رابطه دارد؟
۴. آیا تفاوتی در دین‌داری پسران و دختران دانشجوی دانشگاه مازندران وجود دارد؟
۵. آیا تفاوتی در دین‌داری دانشجویان متأهل و مجرد دانشگاه مازندران وجود دارد؟
۶. متغیرهای مستقل شیوه اعمال قدرت، جنسیت و وضعیت تأهل، به چه میزان متغیر وابسته دین‌داری را پیش‌بینی می‌کنند؟

برای چارچوب نظری پژوهش از سه دیدگاه داینا بامریند (1967)، دیدگاه محرومیت اجتماعی زنان و دیدگاه استارک و بین‌بریج<sup>۱</sup> (1980) استفاده شده است. برای تبیین رابطه بین شیوه اعمال قدرت و دین‌داری از دیدگاه داینا بامریند بهره برده می‌شود. او سه نوع رفتار مقتدرانه، سهل‌گیر و مستبدانه والدین با فرزندان را از هم تفکیک می‌کند (Baumrind, 1967: 55). در نوع اقتداری یا دموکراتیک، والدین به نظرهای مخالف

<sup>1</sup> Stark & Bainbridge

دین و مراکز دینی را منبعی حمایت‌کننده برای خود در برابر انواع محرومیتی می‌دانند که با آنها روبه‌رو می‌شوند (خوش‌فر و ایلواری، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

علاوه بر این برای تبیین وضعیت تأهل و دین‌داری به دیدگاه استارک و بین‌بریج (1980) استناد می‌شود که معتقدند افراد گروه‌های دینی را براساس پایگاه اجتماعی خود تعیین می‌کنند. از نظر آنان زمانی که پایگاه اجتماعی افراد تغییر می‌کند رویکرد دینی آنان نیز تغییر می‌یابد (به نقل از خوش‌فر و ایلواری، ۱۳۹۴: ۱۲۹)؛ بنابراین، بیرون آمدن از شرایط مجردی و وارد شدن به پایگاه اجتماعی متأهلان نیز ممکن است رویکرد دینی و دین‌داری آنها را تغییر دهد.

#### پیشینه پژوهش

شیوه اعمال قدرت در خانواده و دین‌داری

با توجه به اهمیت تأثیر خانواده بر جامعه (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۳۲) و شکل‌گیری هویت انسان (نوربخش و اویسی‌فردویی، ۱۳۹۵: ۲۸۹؛ نیک‌خواه، ۱۳۸۰)، فلاسفه و دانشمندانی همچون فارابی و ابن‌سینا از گذشته‌های دور موضوع خانواده و شیوه اعمال قدرت در آن را بررسی کرده‌اند. شیوه صحیح اعمال قدرت در خانواده که با تربیت اعضای خانواده ارتباط دارد، امری حیاتی و مهم است که از فرهنگی تا فرهنگ دیگر فرق می‌کند (بیگدلی و ماهرزاده، ۱۳۹۴: ۱۶ و ۱۲). پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند بین نوع اعمال قدرت در خانواده و دین‌داری ارتباط معناداری وجود دارد.

در پژوهش صادقی و مظاهری (۱۳۸۶) با نام «کیفیت ارتباط والد - فرزند، پیش‌شرط تربیت دینی فرزندان» که بین ۳۷۴ دانشجوی پسر و دختر دانشگاه‌های شهید بهشتی و علوم پزشکی تهران انجام شد، ارتباط بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و دین‌داری تأیید شده است. این پژوهش نشان داد در خانواده‌هایی که شیوه اعمال قدرت مقتدرانه دارند، دین‌داری فرزندان بیشتر است. حاجی‌زاده‌میمندی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با یک نمونه ۳۲۵ نفری از جوانان شهر یزد نشان

فرزند گوش می‌دهند، نسبت به خواسته او پذیرش بیشتری دارند و به‌موقع تشویق و تنبیه می‌کنند. در نوع رفتار سهل‌گیر، والدین توانایی کنترل فرزندان را ندارند و از آنان انتظار رفتار عاقلانه هم ندارند. در نوع رفتار مستبدانه، نمایش قدرت والدین به‌خوبی نمایان است و فرزندان باید کاری را انجام دهند که والدین می‌خواهند. این نوع رفتارهای والدین در فرمان‌برداری، اعتمادبه‌نفس، مهارت اجتماعی و استقلال رأی فرزندان مؤثر است و بر رفتارهای فرزندان در آینده مانند انجام امور دینی اثرگذار است. بدین صورت که با توجه به فطری بودن دین و نیاز به پرستش در انسان، در خانواده‌های استبدادی که امر و نهی شدید والدین و در خواست‌های غیرمنطقی و اجباری آنان فراوان یافت می‌شود و حتی انجام‌ندادن دستورات دینی توسط فرزندان با سرزنش و توهین همراه است، فرزندان از والدین ارزش‌های دینی و انسانی دور می‌شوند و برعکس، والدین دموکراتیک با ارتباط نزدیک و عاطفی با فرزندان و آموزش صحیح به آنها، ضمن تقویت میل به پرستش، آنان را جذب دستورات دینی و انسانی می‌کنند و فرزندان هم این امور را راحت‌تر و بهتر می‌پذیرند (بیگدلی و ماهرزاده، ۱۳۹۴: ۲۷ و ۱۸ و ۱۷). بدین صورت شیوه اعمال قدرت والدین در دین‌داری فرزندان تأثیرگذار خواهد بود. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به افزایش شیوه اعمال قدرت دموکراتیک بین خانواده‌های ایرانی (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۶؛ عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۸) و کاهش شیوه اعمال قدرت سهل‌گیر (حسین‌نژاد و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۳؛ سیفی‌گندمانی و همکاران، ۱۳۸۸)، در این پژوهش از بین چهار بعد فرزندپروری، تنها دو بعد شیوه اعمال قدرت دموکراتیک و استبدادی (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۹) بررسی شده‌اند.

همچنین برای تبیین جنسیت و دین‌داری از نظریه محرومیت اجتماعی و مادی زنان استفاده شده است. بر پایه این نظریه زنان بیشتر به عبادت و مراکز عبادی روی می‌آورند تا از مشکلاتی که در زندگی دارند، فرار کنند. آنان محرومیت‌های مختلفی را تجربه می‌کنند و برای جبران این محرومیت فعالیت‌های دینی و اجتماعی را انجام می‌دهند. آنان

در پژوهش آبار و همکاران<sup>۱</sup> (2009) که بین جوانان آفریقایی - آمریکایی انجام شد، شیوه اعمال قدرت در خانواده به‌منزله متغیر واسط مطرح شد که در میزان دین‌داری دانشجویان نقش تعدیل‌کننده دارد. علاوه بر پژوهش‌های یادشده که به‌طور مستقیم به رابطه بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و دین‌داری اشاره کرده‌اند، پژوهش‌هایی نیز به‌طور غیرمستقیم به وجود این رابطه اشاره کرده‌اند. برای نمونه رضادوست و همکاران (۱۳۸۹)، ودیعه و کنگرلو حقیقی (۱۳۹۲) و نوروزی و فرهادیان (۱۳۹۳) در پژوهش‌های خود رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و دین‌داری را نشان دادند. هرچند این پژوهش به‌طور مستقیم رابطه بین شیوه اعمال قدرت و دین‌داری را بررسی نکرده است، با توجه به اینکه پایگاه اجتماعی خانواده، هم با شیوه اعمال قدرت در خانواده (موحد و همکاران، ۱۳۹۱) و هم با دین‌داری (جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۲) ارتباط دارد، می‌توان نتیجه گرفت که این پژوهش‌ها رابطه بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و دین‌داری فرزندان را تأیید می‌کنند.

### جنسیت و دین‌داری

جنسیت عامل مهمی در محیط‌های اجتماعی و فرهنگی است و مطالعه درباره تفاوت جنسیت بر رفتار به ما در فهم مسائل اجتماعی کمک می‌کند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶ و ۴۷). همچنین فرض می‌شود رفتارهای پسران و دختران در موضوع‌های مختلف متفاوت است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۷)؛ بنابراین، این پژوهش میزان دین‌داری بین دختران و پسران دانشجو را بررسی می‌کند.

درباره میزان دین‌داری زنان، پژوهش حضرتی‌صومعه (۱۳۹۵) بین ۳۷۵ نفر از زنان دانشجوی دانشگاه، میانگین دین‌داری بین زنان را متوسط رو با بالا بیان می‌کند. درباره نوع دین‌داری زنان نیز پژوهش ودیعه و کنگرلو حقیقی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد دین‌داری زنان بیشتر به ترتیب در بعد مناسکی،

دادند همگامی مشترک در خانواده - که نوعی شیوه اعمال قدرت در خانواده است - با میزان دین‌داری رابطه دارد. خلیل‌فر و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با نمونه آماری ۲۷۱ نفری از پسران و دختران شیرازی، رابطه بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و جهت‌گیری مذهبی فرزندان را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان دادند شیوه اعمال قدرت در خانواده با جهت‌گیری دینی درونی و جهت‌گیری دینی بیرونی رابطه دارد. آنان نشان دادند در خانواده‌هایی با شیوه اعمال قدرت منطقی که به شیوه مقتدرانه نزدیک است، فرزندان دین‌داری بیشتری دارند.

بیگدلی و ماهروزاده (۱۳۹۴) در پژوهشی کمی و کیفی رابطه بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و میزان انجام دستورات دینی توسط فرزندان بین ۸۸ نفر از دانش‌آموزان شهر تهران را بررسی و مشخص کردند بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و انجام اعمال دینی رابطه وجود دارد؛ یعنی فرزندان والدینی که مستبدترند، کمتر عبادات دینی انجام می‌دادند.

حضرتی‌صومعه (۱۳۹۵) در پژوهشی بین ۳۷۵ نفر از دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ضمن بیان اینکه میانگین دین‌داری بین زنان متوسط رو با بالاست، نشان داد بین رفتار تساوی‌طلبانه، استقلال‌طلبانه و دموکراتیک با میزان دین‌داری زنان رابطه وجود دارد.

خوش‌فر و محمدی‌نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی بین یک نمونه ۴۰۰ نفری رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و نگرش به سبک زندگی اسلامی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و گرایش به دین‌داری رابطه وجود دارد.

در پژوهش نوربخش و اویسی‌فردوسی (۱۳۹۵) که بین ۳۸۴ نفر از نوجوانان تهرانی انجام شد، مشخص شد شیوه اعمال قدرت در خانواده بر دین‌داری فرزندان تأثیر دارد. یافته‌های آنان نشان دادند بین اقتدار منطقی والدین با دین‌داری فرزندان ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد.

<sup>1</sup> Abar et al.

و ازدواج با دین‌داری رابطه دارد. برای مثال قمری (۱۳۸۹) پژوهشی بین ۷۵۶ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی انجام داد که به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. او نشان داد دین‌داری افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است. ادریسی و رحمانی‌خلیلی (۱۳۸۹) نیز گزارش دادند که میزان دین‌داری افراد متأهل از افراد مجرد بیشتر است. باقری و همکاران (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود گزارش دادند که افراد متأهل دین‌داری بیشتری نسبت به مجردها دارند. محمدپور و همکاران (۱۳۹۰) نیز بر تفاوت بین میزان دین‌داری افراد متأهل و مجرد تأکید کردند.

با وجود این در پژوهش صالح‌آبادی و قندهاری (۱۳۹۰) که بین ۲۹۵ نفر از شهروندان نیشابوری و با استفاده از مقیاس سنجش دین‌داری گلاک و استارک<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) انجام شد، مشخص شد بین وضعیت تأهل و دین‌داری رابطه معناداری وجود ندارد. این نتایج متفاوت درباره رابطه تأهل و دین‌داری، نیاز به مطالعه بیشتر در این زمینه را آشکار می‌کند.

### روش‌شناسی پژوهش

#### جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر، کل دانشجویان یازده دانشکده مقطع کارشناسی دانشگاه مازندران به تعداد ۹۷۳۹ نفر است. از این تعداد ۳۲۸۶ نفر (۳۴ درصد) پسر و ۶۴۵۳ نفر (۶۶ درصد) دخترند (گزارش، ۱۳۹۶). برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان و کرجسی و مورگان<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) بهره برده و تعداد نمونه مورد نیاز ۳۷۵ نفر در نظر گرفته شد که برای اطمینان از بازگشت این مقدار، تعداد ۴۵۰ پرسش‌نامه برای توزیع بین دانشجویان در نظر گرفته شد. برای انتخاب این تعداد نمونه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. بدین صورت که ۱۵ کلاس درس از ۱۱ دانشکده به منزله خوشه و به صورت تصادفی انتخاب شدند. دلیل انتخاب ۱۵ کلاس درس این بود که میانگین تعداد دانشجویان کلاس‌ها حدود

اعتقادی، عاطفی، پیامدی و دانش دینی است؛ اما درباره مقایسه میزان دین‌داری زنان با مردان، قمری (۱۳۸۹) در پژوهش خود بین دانشجویان نشان می‌دهد دین‌داری زنان بیشتر از مردان است. محمدپور و همکاران (۱۳۹۰) هم در پژوهش خود بر تفاوت دین‌داری بین دانشجویان پسر و دختر تأکید دارند. در پژوهش آزادارمکی و مدیری (۱۳۹۲) که در ایران و در یک نمونه ۲۲۷۵ نفری از افراد بالای ۱۶ سال انجام شد، مشخص شد زنان مسلمان ایرانی دین‌دارتر از مردان مسلمان‌اند. هرچند بین مسیحیان تفاوتی در میزان دین‌داری زنان و مردان مشاهده نشد. ودیعه و کنگرلو حقیقی (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود بیان کردند که دین‌داری دختران بیشتر از پسران است.

برخی پژوهشگران گزارش‌های دین‌داری بیشتر زنان نسبت به مردان را به چالش کشیده‌اند و ضمن متناقض خواندن گزارش‌های اعلام‌شده عقیده دارند کاین نتایج در همه جوامع یکسان نیست (آزادارمکی و مدیری، ۱۳۹۲: ۲ و ۱) و از جامعه‌ای تا جامعه دیگر فرق می‌کند. در همین زمینه در پژوهش ادریسی و رحمانی‌خلیلی (۱۳۸۹) بیان شده است که میزان دین‌داری بین زنان و مردان با هم تفاوت معناداری ندارد. همچنین در پژوهش سراج‌زاده (۱۳۷۸) گزارش شده است که تفاوت معناداری بین دین‌داری پسران و دختران مشاهده نمی‌شود. این نتایج متفاوت درباره جنسیت و دین‌داری نشان می‌دهند این موضوع به مطالعه بیشتری نیاز دارد.

### تأهل و دین‌داری

وضعیت تأهل و ازدواج عاملی مهم و تعیین‌کننده در رفتار انسان‌ها به حساب می‌آید. با ازدواج لذت‌ها و حمایت‌های مختلف نصیب فرد می‌شود و سلامت جسم و روان فرد و حتی طول عمر او افزایش می‌یابد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸). با توجه به نقش مهم وضعیت تأهل در رفتار انسان‌ها، پژوهشگران درباره نقش وضعیت تأهل بر میزان دین‌داری نیز مطالعه کرده‌اند و بیشتر آنها اشاره داشته‌اند که وضعیت تأهل

<sup>1</sup> Glock & Stark

<sup>2</sup> Krejcie & Morgan

۳۰ نفر است که با انتخاب این تعداد کلاس، تعداد نمونه ۴۵۰ نفر را پوشش می‌داد. جدول ۱ تعداد دانشجویان را به تفکیک دانشکده و جنسیت و همچنین تعداد کلاس‌های درسی انتخاب‌شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱- تعداد دانشجویان هر دانشکده به تفکیک پسر و دختر و تعداد کلاس‌های انتخاب‌شده به منزله خوشه

دانشکده	شیمی	علوم ورزشی	ریاضی	هنر	علوم سیاسی	فنی	علوم انسانی	پایه	اقتصاد	الهیات
تعداد دانشجویان	۳۲۶	۲۳۹	۵۵۱	۴۱۸	۸۴۵	۱۰۱۹	۲۶۸۸	۱۳۶۳	۱۹۱۳	۳۷۸
پسر	۹۴	۹۸	۱۹۷	۱۰۷	۳۱۳	۶۷۰	۴۷۲	۵۹۵	۶۲۸	۱۱۳
دختر	۲۳۲	۱۴۱	۳۵۴	۳۱۱	۵۳۲	۳۴۹	۲۲۱۶	۷۶۸	۱۲۸۵	۲۶۵
تعداد کلاس	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۲	۳	۱

جدول ۲ نیز تعداد نمونه‌های انتخاب‌شده از هر رشته تحصیلی را پس از جمع‌آوری داده‌ها نشان می‌دهد. دلیل تفاوت داشتن نام دانشکده‌ها و رشته‌های تحصیلی در جدول ۱ و ۲ این است که در برخی کلاس‌ها دانشجویان از رشته‌های مختلفی حضور می‌یابند.

جدول ۲- تعداد دانشجویان هر رشته تحصیلی به تفکیک پسر و دختر

رشته	روانشناسی	پژوهش	علوم تربیتی	مهندسی	زبان و ادبیات	تعمیرات	آر	علوم سیاسی	اقتصاد	حسابداری	علوم انسانی	مدیریت
کل نمونه	۹۰	۵۰	۲۵	۲۶	۲۵	۳۴	۲۹	۲۱	۲۱	۲۸	۲۶	۱۶
پسر	۳	۱۴	۲	۸	۱۳	۱۲	۱۴	۱	۷	۶	۵	۸
دختر	۸۷	۳۶	۲۳	۱۸	۱۲	۲۲	۱۵	۲۰	۱۴	۲۲	۲۱	۸

### ابزار اندازه‌گیری پژوهش

برای اندازه‌گیری میزان دین‌داری از مقیاس گلاک و استارک (1965) استفاده شده است. مقیاس استفاده‌شده ۲۶ عبارت دارد که در چهار بعد اعتقادی یا باورهای دینی (مانند اعتقاد به وجود خدا، بهشت و جهنم) با ۷ گویه، عاطفی (مانند ترس از گناه، خواب‌های دینی) با ۶ گویه، پیامدی آثار دینی (مانند نگرش به بی‌حجابی، غیبت‌کردن) با ۶ گویه و مناسکی یا اعمال دینی (مانند روزه‌گرفتن، رفتن به نماز جمعه) با ۷ گویه برای سنجش میزان دین‌داری به کار رفته است. پاسخگویان

مراحل توزیع، تکمیل و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها نیز به این صورت بود که پژوهشگران و همکاران آنان با حضور در هر ۱۵ کلاس درس، ضمن بیان توضیحات لازم درباره اهداف و شیوه انجام این پژوهش، از دانشجویان خواستند نسبت به تکمیل پرسش‌نامه همکاری کنند. تکمیل پرسش‌نامه‌های هر کلاس به حدود بیست دقیقه زمان نیاز داشت. پس از آن پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری شد. پس از انجام کار ۴۲۰ پرسش‌نامه تکمیل و جمع‌آوری شد که با کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های ناقص، از ۴۰۷ نمونه استفاده شد.

کرونباخ بعد شیوه اعمال قدرت دیکتاتوری ۰/۷۹ و بعد شیوه اعمال قدرت دموکراتیک ۰/۸۳ به دست آمده است. برای سنجش متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل نیز با طرح دو سؤال در پرسش‌نامه از پاسخگویان خواسته شد جنسیت و وضعیت تأهل خود را مشخص کنند.

### یافته‌های پژوهش

#### یافته‌های توصیفی

نمونه بررسی شده تعداد ۴۰۷ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دختر و پسر رشته‌های روان‌شناسی، شیمی، علوم تربیتی، مهندسی شیمی، تربیت بدنی، شهرسازی، آمار، علوم سیاسی، اقتصاد، حسابداری، پژوهشگری و مدیریت اند. ۹۳ نفر از پاسخگویان پسر و ۲۹۷ نفر از آنان دخترند. ۳۱۲ نفر از پاسخگویان مجرد و ۷۸ نفر متأهل اند. ۱۷ نفر نیز به این سؤال پاسخ ندادند.

نمره دین داری دانشجویان از ۳۸ تا ۱۱۹ بود که میانگین نمره دین داری دختران ۸۵/۳۳ و پسران ۷۲/۸۲ بود. میانگین نمره دین داری کل دانشجویان (پسر و دختر) نیز ۵۸/۱۱ با انحراف استاندارد ۱۲/۴۱ بود. همان گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد براساس این میانگین، دانشجویانی که نمره میانگین و بالاتر را به دست آورده‌اند در طبقه افراد با دین داری بالا به حساب می‌آیند و افرادی که نمره دین داری آنان پایین‌تر از میانگین بود در طبقه دین داری پایین قرار می‌گیرند که بر این اساس ۵۴/۳٪ از پاسخگویان در رده افراد با دین داری بالا قرار گرفتند و ۴۵/۷٪ از آنان نیز با میزان دین داری پایین محسوب می‌شوند؛ بنابراین، بیشتر پاسخگویان دین داری بالایی داشتند.

نظرهای خود را در یک طیف ۵ درجه‌ای بیان می‌کنند. این مقیاس توسط پژوهشگران ایرانی همچون سراج‌زاده (۱۳۷۸)، آهنگوب‌نژاد (۱۳۸۸)، حاجی‌زاده‌میمندی و ابراهیمی‌صدرآبادی (۱۳۸۹)، با فرهنگ و هنجار جامعه ایرانی تطبیق داده و به کار برده شده است. پایایی و اعتبار آن نیز تأیید شده است. میزان آلفای پرسش‌نامه در پژوهش حاضر ۰/۸۳ بوده است.

برای اندازه‌گیری شیوه اعمال قدرت در خانواده از مقیاس خوش‌فر و محمدی‌نیا (۱۳۹۳) بهره گرفته شد. این مقیاس با ۲۰ گویه سه بعد از ابعاد قدرت را می‌سنجد که در پژوهش حاضر از دو بعد استفاده شد. این مقیاس دوبعدی ۱۳ گویه دارد که ۷ گویه شیوه اعمال قدرت دیکتاتوری و ۶ گویه شیوه اعمال قدرت دموکراتیک را می‌سنجد. گویه‌های اندازه‌گیری شیوه اعمال قدرت دیکتاتوری عبارت‌اند از: ۱- والدین با یکدیگر و فرزندان به صورت تحکمی برخورد می‌کنند. ۲- اگر کسی خطایی کند تنبیه می‌شود. ۳- پدر و مادر همیشه حرف اول و آخر را می‌زنند. ۴- حتمی بودن حرف رییس خانواده. ۵- بچه‌ها باید از والدین اطاعت کنند. ۶- در خانواده ما برابری زن و مرد هست؛ اما پدر حرف آخر را می‌زند. ۷- بچه‌ها نباید خلاف نظر والدین حرف بزنند. گویه‌هایی که شیوه اعمال قدرت دموکراتیک را می‌سنجند عبارت‌اند از: ۱- در خانواده به همه اجازه داده می‌شود نظرشان را بگویند. ۲- تشویق کردن در فعالیتهای اجتماعی. ۳- وجود تنبیه و تشویق در خانواده. ۴- برخورد منطقی در صورت خطا. ۵- وجود احترام در خانواده. ۶- مسئولیت‌پذیری در خانواده چقدر است؟

خوش‌فر و محمدی‌نیا (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ بعد شیوه اعمال قدرت دیکتاتوری را ۰/۷۷ و بعد شیوه اعمال قدرت دموکراتیک را ۰/۷۹ بیان کردند و در این پژوهش نیز آلفای

جدول ۳- وضعیت دین داری پاسخگویان براساس نمره کل دین داری (۴۰۷ نفر)

فراوانی	وضعیت دین داری پاسخگویان
۱۸۴ (۴۵/۷٪)	دین داری پایین
۲۲۳ (۵۴/۳٪)	دین داری بالا
انحراف استاندارد ۱۲/۴۱	میانگین ۵۸/۱۱



از نظر بعد عاطفی دین‌داری در رده بالا قرار گرفتند؛ اما از نظر بعد دین‌داری پیامدی بیشتر پاسخگویان (۵۷٪) در رده پایین قرار گرفتند.

بر اساس جدول ۴ بعد اعتقادی دین‌داری بیشتر پاسخگویان (۵۱/۱۰٪) پایین بود؛ اما بعد مناسکی دین‌داری بیشتر دانشجویان (۵۷٪) بالا بود. همچنین بیشتر پاسخگویان

جدول ۴- وضعیت دین‌داری پاسخگویان بر اساس ابعاد دین‌داری (۴۰۷ نفر)

ابعاد دین‌داری	دین‌داری بالا	دین‌داری پایین	میانگین	انحراف استاندارد
اعتقادی	۱۹۹ (۴۸/۸۹٪)	۲۰۸ (۵۱/۱۰٪)	۲۴/۳۷	۴/۵۹
مناسکی	۲۳۲ (۵۷٪)	۱۷۶ (۴۳/۲۴٪)	۱۸/۹۹	۵/۸۸
عاطفی	۲۰۹ (۵۱/۳۵٪)	۱۹۸ (۴۸/۶۴٪)	۲۲/۳۱	۴/۵۷
پیامدی	۱۷۶ (۴۳/۲۴٪)	۲۳۲ (۵۷٪)	۱۹/۴۳	۳/۳۶

گزارش پسران ۱۷/۶۰ بود. میانگین نمره شیوه اعمال قدرت دموکراسی در گزارش دختران ۲۲/۳۹ و در گزارش پسران ۲۰/۷۷ بود. با وجود این، گزارش میانگین نمره شیوه اعمال قدرت دموکراسی و استبدادی بین افراد مجرد و متأهل تفاوت چندانی نداشت.

نمره شیوه اعمال قدرت استبدادی از ۷ تا ۳۵ با میانگین ۱۸/۱۰ و نمره شیوه اعمال قدرت دموکراسی بین ۸ تا ۳۰ با میانگین ۲۲/۰۲ متغیر بود. همان طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، ۲۴۲ نفر (۵۹/۴۶٪) از پاسخگویان در گروه خانواده با شیوه اعمال قدرت استبدادی بالا قرار گرفتند. میانگین نمره شیوه اعمال قدرت استبدادی در گزارش دختران ۱۹/۷۹ و در

جدول ۵- میزان اعمال قدرت به شیوه‌های استبدادی و دموکراسی در خانواده‌های پاسخگویان (۴۰۷ نفر)

شیوه اعمال قدرت	بالا	پایین	میانگین	انحراف استاندارد
استبدادی	۲۴۲ (۵۹/۴۶٪)	۱۶۵ (۴۰/۵۴٪)	۱۸/۱۰	۵/۱۸
دموکراتیک	۲۳۸ (۵۸/۴۷٪)	۱۶۹ (۴۱/۵۳٪)	۲۲/۰۲	۴/۱۹

همچنین جدول ۶ نشان می‌دهد بر اساس گزارش به دست آمده از همبستگی پیرسون، بین دو بعد شیوه اعمال قدرت در خانواده با چهار بعد دین‌داری، بالاترین همبستگی بین شیوه اعمال قدرت دموکراتیک با بعد عاطفی دین‌داری به میزان ۰/۳۰ است و کمترین میزان همبستگی بین شیوه اعمال قدرت استبدادی با بعد عاطفی دین‌داری به میزان ۰/۱۱ است. بین شیوه اعمال قدرت دموکراتیک و استبدادی با بعد پیامدی دین‌داری رابطه معناداری مشاهده نشد. بین شیوه اعمال قدرت دموکراتیک با بعد مناسکی دین‌داری نیز ارتباط معناداری مشاهده نشد.

### یافته‌های تحلیلی

با توجه به جدول ۶ نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین شیوه اعمال قدرت استبدادی در خانواده و متغیر دین‌داری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $r = 0/17$  و  $P = 0/00$ ). همچنین بین شیوه اعمال قدرت دموکراتیک در خانواده و متغیر دین‌داری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $r = 0/24$  و  $P = 0/00$ ). هرچند نتایج وجود رابطه مثبت و معنادار را بین شیوه اعمال قدرت دموکراتیک و استبدادی با میزان دین‌داری نشان می‌دهد، همبستگی بین شیوه اعمال قدرت دموکراتیک با میزان دین‌داری بیشتر (۰/۲۴) است.

جدول ۶- رابطه بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و دین‌داری دانشجویان دانشگاه مازندران (۴۰۷ نفر)

شیوه اعمال قدرت در خانواده		ابعاد دین‌داری								
		پيامدی		عاطفی		مناسکی		اعتقادی		
r	P	r	P	r	P	r	P	r	P	
۰/۲۴	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۳۰	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۳۳	۰/۲۴	۰/۰۰	دموکراتیک
۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۵۸	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰	استبدادی

با یکدیگر ندارند و با سطح اطمینان بیش از ۹۵ درصد می‌توان گفت این دو گروه از نظر میزان دین‌داری به هم شبیه‌اند.

براساس جدول ۷، آزمون  $t$  ( $t = -1/421$  و  $P = 0/15$ ) نشان می‌دهد میانگین‌های میزان دین‌داری بین دو گروه پسران (میانگین =  $83/20$  و انحراف معیار =  $15/60$ ) و دختران (میانگین =  $85/68$  و انحراف معیار =  $11/36$ ) تفاوت معناداری

جدول ۷- آزمون  $t$  برای مقایسه نمره دین‌داری در گروه دختران و پسران

گروه	میانگین	انحراف معیار	t	df	p
دختران (N= 289)	85/68	11/36	-1/421	389	0/15
پسران (N= 93)	83/20	15/60			

با یکدیگر دارند و با سطح اطمینان بیش از ۹۵ درصد می‌توان گفت این دو گروه در میانگین دین‌داری با هم تفاوت دارند و دانشجویان متأهل بیشتر از مجردها دین‌دارند.

جدول ۸، با توجه به آزمون  $t$  ( $t = -3/22$  و  $P = 0/00$ ) نشان می‌دهد میانگین‌های دین‌داری در گروه‌های مجرد (میانگین =  $84/10$  و انحراف معیار =  $12/70$ ) و متأهل (میانگین =  $89/14$  و انحراف معیار =  $10/76$ ) تفاوت معناداری

جدول ۸- آزمون  $t$  برای مقایسه نمره دین‌داری دو گروه از دانشجویان مجرد و متأهل

گروه	میانگین	انحراف معیار	t	df	p
مجرد (N= 312)	84/10	112/70	-3/228	388	0/00
متأهل (N= 78)	89/14	10/76			

ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد متغیر شیوه اعمال قدرت دموکراتیک در گام اول به‌طور معنی‌داری  $0/8$  درصد واریانس دین‌داری را پیش‌بینی می‌کند ( $P = 0/00$ ) و اضافه‌شدن متغیر شیوه اعمال قدرت استبدادی در گام دوم در معادله، قدرت پیش‌بینی را به‌طور معناداری به  $12$  درصد می‌رساند ( $P = 0/00$ ). در گام سوم نیز متغیر وضعیت تأهل وارد معادله می‌شود و قدرت پیش‌بینی را به  $13$  درصد می‌رساند ( $P = 0/00$ ). ضرایب بتا ( $\beta$ )، میزان و جهت این رابطه را به ترتیب  $0/29$ ،  $0/19$  و  $0/12$  نشان می‌دهد.

برای ارزیابی قدرت تبیین متغیرهای پیش‌بین مطرح‌شده در پژوهش، از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است که نتایج این رگرسیون در جدول‌های ۹ و ۱۰ گزارش شده‌اند. براساس این جدول‌ها، ضریب همبستگی چندگانه بین دین‌داری و متغیرهای شیوه اعمال قدرت دموکراتیک، استبدادی و وضعیت تأهل به ترتیب  $0/28$ ،  $0/34$  و  $0/37$  است (متغیر جنسیت به دلیل میزان خطای بالا از معادله حذف شد). این جدول‌ها نشان می‌دهند در گام اول شیوه اعمال قدرت دموکراتیک، در گام دوم شیوه اعمال قدرت دموکراتیک و در گام سوم وضعیت تأهل وارد معادله شدند. معنی‌دار بودن

جدول ۹- خلاصه الگوی رگرسیون رابطه متغیرها و دین‌داری

متغیر	R	R <sub>2</sub>	R <sub>2</sub> (Ad)	خطای برآورد	R	F	P
	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده		تغییرات ضریب تعیین		
۱ دموکراتیک	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۰۸	۱۲/۲۱	۰/۰۸	۳۰/۶۶	۰/۰۰
۲ استبدادی	۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۱۱	۱۱/۹۷	۰/۰۳	۲۳/۳۲	۰/۰۰
۳ وضعیت تأهل	۰/۳۷	۰/۱۳	۰/۱۳	۱۱/۸۷	۰/۰۱	۱۷/۹۷	۰/۰۰

جدول ۱۰- تحلیل رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش‌بین و دین‌داری

متغیر	ضریب استاندارد شده بتا $\beta$	T	P
۱ دموکراتیک	۰/۲۸	۵/۵۳	۰/۰۰
۲ دموکراتیک	۰/۳۰	۶/۰۱	۰/۰۰
استبدادی	۰/۱۹	۳/۸۴	۰/۰۰
۳ دموکراتیک	۰/۲۹	۵/۸۸	۰/۰۰
استبدادی	۰/۱۹	۳/۸۳	۰/۰۰
وضعیت تأهل	۰/۱۲	۲/۵۴	۰/۰۱

## نتیجه

مختلف نیز نشان می‌دهند بیشترین نمره دین‌داری به بعد اعتقادی دانشجویان با میانگین ۲۴/۳۷ تعلق گرفت. پس از آن ابعاد عاطفی با میانگین ۲۲/۳۱ و پیامدی با میانگین ۱۹/۴۳ و مناسکی با میانگین ۱۸/۹۹ در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش آهنکوب‌نژاد که به همین ترتیب از ابعاد دین‌داری بین جوانان شهر اهواز دست یافته است و با یافته‌های سراج‌زاده مطابقت دارد (آهنکوب‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱؛ سراج‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۹). دلیل تفاوت در میزان ابعاد دین‌داری را همان‌طور که سراج‌زاده (۱۳۷۸: ۱۸) اشاره کرده است، می‌توان با دیدگاه‌های روان‌شناسی تبیین کرد که معتقدند همواره بعد شناختی فرد با بعد رفتاری او مطابقت ندارد؛ زیرا ممکن است فرد رفتاری را انجام دهد اما آن را درست نداند یا عملی را درست بداند ولی آن را انجام ندهد. همچنین ابعاد پیامدی و مناسکی دین‌داری بیشتر جنبه عملی و ابعاد اعتقادی و تجربی بیشتر جنبه نظری دارند و مکان‌هایی که در آنها مناسک دینی برپا می‌شود رنگ و بوی جریان‌های فکری خاصی را نشان می‌دهند و این امر سبب حضور کمتر جریان‌های دیگر یا

با توجه به تأثیر دین بر ابعاد مختلف زندگی مردم ایران، در پژوهش حاضر رابطه جنسیت، وضعیت تأهل و شیوه اعمال قدرت در خانواده با دین‌داری دانشجویان دانشگاه مازندران بررسی شد. نتایج توصیفی نشان دادند ۲۲/۸۵ درصد از دانشجویان پسر و ۸۷/۱۵ درصد دختر بودند. تناسب این تعداد از پسران و دختران، تاحدودی با گزارش معاون آموزشی دانشگاه مازندران که ۷۶ درصد از ورودی‌های سال ۱۳۹۳ را دختران به خود اختصاص دادند (میردار، ۱۳۹۳)، همخوانی دارد. از کل پاسخگویان نیز ۱۹/۱۶ درصد متأهل و ۸۰/۹۴ درصد مجرد بودند. میزان دین‌داری بین پاسخگویان بالا بود. به طوری که ۵۴/۳ درصد دین‌داری بالایی داشتند. این نتیجه با نتایج پژوهش توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) که میزان دین‌داری در ایران را بالا می‌دانستند، مطابقت دارد. دلیل آن هم جایگاه و نقش نهاد دین در کشور است که خود را در همه ابعاد زندگی افراد جامعه نشان می‌دهد.

نتایج پژوهش درباره میزان دین‌داری دانشجویان در ابعاد

هویت دینی اشاره کرد که نوع رفتار اعضای خانواده در نوع هویت دینی و میزان دین‌داری فرزند تأثیر دارد. به این صورت که درپیش‌گرفتن شیوه اعمال قدرت استبدادی، سرزنش و تحقیر و توجه‌نکردن به روحیه استقلال‌طلبی جوانان، طغیان آنان علیه ارزش‌های جامعه و ارزش‌های دینی را به‌دنبال دارد که نتیجه آن کم‌شدن دین‌داری آنان است (نوربخش و اویسی‌فردویی، ۱۳۹۵: ۲۸۷ و ۲۸۶).

همچنین پژوهشگران براساس نظریه دلبستگی و یادگیری اجتماعی، ضمن اینکه خانواده را تأثیرگذارترین عامل در جامعه‌پذیری فرزندان می‌دانند، یادآوری می‌کنند که وقتی والدین با درپیش‌گرفتن شیوه اعمال قدرت دموکراتیک و برقراری ارتباط عاطفی با فرزندان برای آنان حمایت عاطفی ایجاد می‌کنند، این امر سبب می‌شود فرزندان به‌دلیل روابط عاطفی نسبت به والدین و ارزش‌های مدنظر آنان تعهد بیشتری از خود نشان دهند (Dudley & Wisbey, 2000: 40) و این امر افزایش دین‌داری فرزندان را به‌دنبال دارد. این موضوع با فرضیه انطباقی تجدید نظرشده گرنکوویست مطابقت دارد. این فرضیه اشاره می‌کند که فرزندان با دلبسته‌شدن و نزدیکی عاطفی با افرادی مانند والدین، به‌طور موفقیت‌آمیزی نظام رفتارها و عقاید مذهبی آنان را نیز می‌پذیرند که این امر در افزایش دین‌داری آنها تأثیر دارد (صادقی و مظاهری، ۱۳۸۶: ۴۷۴).

علاوه بر این صاحب‌نظران معتقدند فرزندان برای آموزش و تربیت، به محیط اجتماعی مناسب و برقراری رابطه و محیط نزدیک و صمیمی و دوستانه با والدین نیاز دارند (Sherkat & Darnel, 1991: 23). این شرایط با شیوه اعمال قدرت استبدادی تناسبی ندارد؛ بلکه اعمال قدرت به شیوه دموکراتیک است که این شرایط را فراهم می‌کند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند بین میزان دین‌داری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های سراج‌زاده (۱۳۷۸) و ادریسی و رحمانی‌خلیلی (۱۳۸۹) همخوانی دارد که آنها نیز رابطه

جوانان می‌شود (علی‌دوست، ۱۳۹۶).

همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهند میانگین نمره شیوه اعمال قدرت استبدادی ۱۸/۱۰ و میانگین نمره شیوه اعمال قدرت دموکراتیک ۲۲/۰۲ بود. بیشتر خانواده‌ها (۵۹/۴۶٪) در گروه شیوه اعمال قدرت استبدادی بالا قرار گرفتند که این نتیجه با نظام پدرسالاری جامعه ایران همخوانی دارد. همچنین یافته‌های پژوهش اشاره دارند که میانگین نمره اعلام‌شده دختران از شیوه اعمال قدرت استبدادی (پسران = ۱۷/۶۰ و دختران = ۱۹/۷۹) و دموکراتیک (پسران = ۲۰/۷۷ و دختران = ۲۲/۳۹) در خانواده‌ها بیشتر از میانگین نمره اعلام‌شده از سوی پسران است. دلیل این تفاوت را می‌توان در متفاوت بودن پسر و دختر از نظر روان‌شناسی، بیولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی دانست که سبب می‌شود دید متفاوتی به محیط خود داشته باشند و محیط را متفاوت گزارش دهند.

یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهند بین هر دو شیوه اعمال قدرت استبدادی و دموکراتیک در خانواده‌های دانشجویان و میزان دین‌داری دانشجویان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ اما بیشتر بودن ضریب همبستگی در رابطه شیوه اعمال قدرت دموکراتیک در خانواده دانشجویان و میزان دین‌داری دانشجویان نشان می‌دهد هرچه والدین رفتار دموکراتیک‌تری با فرزندان نشان داشته باشند، دین‌داری فرزندان بیشتر خواهد شد. این یافته با نتایج پژوهشگرانی همچون صادقی و مظاهری (۱۳۸۶)، رضادوست و همکاران (۱۳۸۹)، حاجی‌زاده‌میمندی و ابراهیمی‌صدرآبادی (۱۳۸۹)، ودیعه و کنگرلو حقیقی (۱۳۹۲)، خلیل‌فر و همکاران (۱۳۹۲)، نوروزی و فرهادیان (۱۳۹۳)، بیگدلی و ماهروزاده (۱۳۹۴)، خوش‌فر و محمدی‌نیا (۱۳۹۳)، حضرتی صومعه (۱۳۹۵)، نوربخش و اویسی‌فردویی (۱۳۹۵) و آبار و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد که در یافته‌های خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم رابطه بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و دین‌داری فرزندان را تأیید کرده‌اند.

در تبیین این رابطه می‌توان به تأکید پژوهشگران بر نقش خانواده در شکل‌گیری هویت‌های مختلف فرزند از جمله

1. Correspondence hypothesis

فرزندان از شیوه اعمال قدرت دموکراتیک استفاده کنند و با برقراری رابطه صمیمی و دوستانه با فرزندان و مشارکت دادن آنان در تصمیم‌گیری‌ها، ضمن افزایش اعتماد به نفس فرزندان، اعتماد آنان را به خود جلب کنند. به طوری که خانواده بهترین پناهگاه و والدین امین‌ترین فرد برای فرزندان باشند که در آن صورت تأثیرپذیری دینی فرزندان بیشتر خواهد بود.

۲- با توجه به نقش شیوه اعمال قدرت دموکراتیک در دین‌داری دانشجویان، به مربیان، کارشناسان و مبلغان امور دینی و رسانه‌های گروهی پیشنهاد می‌شود ضمن تأکید بر نقش خانواده و والدین در دین‌داری فرزندان و اینکه تقویت ابعاد مختلف دین‌داری فرزندان از دوران تولد و کودکی در خانواده آغاز می‌شود، به خانواده‌ها در شیوه اعمال قدرت دموکراتیک آموزش دهند؛ زیرا نظام حاکم بر خانواده در کشور ما پدرسالاری است و والدین به‌ویژه پدران با شیوه اعمال قدرت دموکراتیک آشنا نیستند.

۳- به مدیران و متولیان امور دینی پیشنهاد می‌شود با توجه به تأثیر خانواده بر همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی فرزندان، برای افزایش دین‌داری خانواده‌ها به‌ویژه والدین تلاش کنند تا آنان نیز این مهم را به فرزندان خود انتقال دهند.

۴- با توجه به وجود رابطه معنادار بین وضعیت تأهل و میزان دین‌داری دانشجویان، پیشنهاد می‌شود مدیران و دست‌اندرکاران امور جوانان، با بررسی راهکارهای مختلف، بهترین راهکار را برای ازدواج سنجیده و پایدار به مدیران اجرایی کشور ارائه دهند. باید به این نکته توجه داشت که راهکارهای پیشنهادی چنان جامع و سنجیده باشند که کمترین میزان اختلافات خانوادگی و طلاق را به دنبال داشته باشند؛ زیرا در راهکارهای بدون مطالعه که به ازدواج‌های نسنجیده ختم می‌شوند، میزان اختلافات خانوادگی و طلاق بالاست که در این صورت جوانان به دلیل آسیب‌های وارد شده به آنان، از دین‌داری و سلامت جسم و روان سالمی برخوردار نخواهند بود.

معناداری بین جنسیت و میزان دین‌داری مشاهده نکردند. هرچند پژوهشگرانی همچون ودیعه و کنگرلو حقیقی (۱۳۹۲)، قمری (۱۳۸۹) و محمدپور و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که زنان از مردان دیندارترند، پژوهشگران دیگر این نتیجه را نقد کردند و معتقدند این نتایج از جامعه‌ای تا جامعه دیگر فرق می‌کند. برای مثال آزادارمکی و مدیری (۱۳۹۲) در پژوهش خود اشاره داشتند که بین زنان و مردان مسلمان، زنان دیندارترند؛ اما بین زنان و مردان مسیحی میزان دین‌داری زنان و مردان یکسان گزارش شده است.

علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان دادند افراد متأهل از افراد مجرد دیندارترند. این یافته نیز با یافته‌های قمری (۱۳۸۹)، باقری و همکاران (۱۳۹۰)، ادریسی و رحمانی خلیلی (۱۳۸۹) و محمدپور و همکاران (۱۳۹۰) سازگاری دارد. در تبیین دین‌داری بیشتر متأهلان می‌توان گفت افراد متأهل، شادمانی بیشتری نسبت به افراد مجرد دارند (قمری، ۱۳۸۹: ۷۵) و این شادمانی سبب انرژی بیشتر آنان می‌شود و این انرژی بیشتر آنان را به فعالیت‌های اجتماعی بیشتر (گلابی و اخشی، ۱۳۹۴: ۱۳۹) از جمله فعالیت‌های دینی هدایت می‌کند. از طرف دیگر، افراد متأهل بیشتر به فعالیت‌های جمعی تمایل دارند تا افراد مجرد (محسنی‌نبریزی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵)؛ بنابراین، برخی رفتارهای دینی که به صورت جمعی انجام می‌شوند، افراد متأهل را به سمت خود جذب می‌کنند. در نتیجه رفتار دینی متأهلان بیشتر می‌شود. با این همه، با توجه به پژوهش‌های پژوهشگرانی چون صالح‌آبادی و قندهاری (۱۳۹۰) که تفاوت معناداری بین دین‌داری مردان و زنان مشاهده نکردند، بررسی بیشتر در این رابطه ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر برای افزایش دین‌داری دانشجویان دختر و پسر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به اینکه در پژوهش حاضر شیوه اعمال قدرت دموکراتیک، بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی دین‌داری دانشجویان داشته است، به والدین پیشنهاد می‌شود در تربیت

## منابع

- آزادارمکی، ت. (۱۳۹۶). «پاسخ تقی آزادارمکی به پرسشی درباره کمرنگ شدن دین داری مردم»، ۱۳۹۶/۵/۲۹، بازیابی از پایگاه خبری تحلیلی دین‌پژوهی: <http://dinonline.com/doc/interview/fa/6694/>
- آزادارمکی، ت. و مدیری، ف. (۱۳۹۲). «جنسیت و دین داری»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۴، ش (۳) ۵۱، ص ۱-۱۴.
- آهنکوب‌نژاد، م. (۱۳۸۸). «مطالعه میزان پابندی دینی جوانان شهر اهواز»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۳، ص ۲۴-۱.
- احمدی، س. (۱۳۸۸). «تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای نوع دوستانه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش (۳) ۳۵، ص ۲۳-۳۶.
- ادریسی، الف. و رحمانی خلیلی، الف. (۱۳۸۹). «شناسایی میزان دین داری و مقایسه آن در گروه‌های متفاوت شهروندان تهرانی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، ش (۱۱) ۱۱، ص ۱۶۵-۱۳۹.
- اکبری، م.؛ آهنگرسله‌بندی، الف.؛ هوشمندزاده، م. و طهماسبی، ر. (۱۳۹۶). «تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در قصد و رفتار کارآفرینان دانشجوین دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران»، *آموزش مهندسی ایران*، د ۱۹، ش ۷۳، ص ۶۵-۴۵.
- اینگلهارت، ر. و نوریس، پ. (۱۳۸۷). *مقدس و عرفی: دین در سیاست جهان*، تهران: کویر.
- باقری، م.؛ بنی‌اسدی، ح. و داوری، ص. (۱۳۹۰). «رابطه دین داری و ابعاد شخصیت با سلامت روان معلمان شهرستان رودان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۹، ص ۷-۳۲.
- بنی‌فاطمه، ح.؛ شهامفر، ج.؛ علیزاده‌اقدام، م. و عبدی، ب. (۱۳۹۳). «سنجش سطح سلامت شهروندان تبریزی و بررسی تأثیر تحصیلات و جنسیت بر آگاهی‌های بهداشتی، سبک زندگی سلامت محور و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت»، *پایش*، ش (۱) ۱۴، ص ۸۵-۹۲.
- بهرامی‌مشعوف، ع. (۱۳۷۳). *بررسی رابطه بین میزان عبادت و سلامت روان در بین دانشجویان پسر تربیت معلم همدان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم همدان.
- بیگللی، ز. و ماهروزاده، ط. (۱۳۹۴). «تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر انجام اعمال عبادی فرزندان»، *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، س ۸، ش ۱۴، ص ۹-۳۰.
- پرچم، الف.؛ فاتحی‌زاده، م. و الله‌یاری، ح. (۱۳۹۱). «مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت*، ش ۱۴، ص ۱۱۵-۱۳۸.
- تاجبخش، غ. و موسوی، ع. (۱۳۹۳). «هدف بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر سوسنگرد»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ش (۳) ۸، ص ۱۱۹-۱۴۴.
- توسلی، غ. و مرشدی، الف. (۱۳۸۵). «بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، د ۷، ش ۴، ص ۹۶-۱۱۸.
- جمشیدی‌ها، غ.؛ عنبری، م. و محمدی، م. (۱۳۹۲). «بررسی کیفیت زندگی با تغییرات دین داری دانشجویان»، *نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ش (۱) ۴، ص ۱-۱۹.
- حاجی‌زاده‌میمندی، م. و ابراهیمی‌صدرآبادی، ف. (۱۳۸۹). «رابطه جنسیت با میزان و ابعاد دین‌داری»، *زن در توسعه و سیاست*، ش (۳) ۸، ص ۱۳۵-۱۵۱.
- حاجی‌زاده‌میمندی، م.؛ زارع‌شاه‌آبادی، الف. و تقوی‌مریم‌آبادی، ح. (۱۳۸۹). «همگامی مشترک در خانواده و دین‌داری جوانان شهر یزد»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ش ۳ (۳)، ص ۲۳-۴۶.
- حسین‌نژاد، م. و عبدالله‌زاده، ح. (۱۳۹۳). «بررسی نقش سبک

- فرزندپروری والدین در اجتماعی شدن دانش‌آموزان مدارس راهنمایی»، *تعلیم و تربیت*، ش ۱۲۲، ص ۱۴۴-۱۱۹.
- حسینی، ک. (۱۳۹۶). خبر، ۱۳۹۶/۵/۲۹، بازیابی از خبرگزاری بین‌المللی قرآن: <http://iqna.ir/fa/news/3390699/>
- حضرتی صومعه، ز. (۱۳۹۵). «میزان دین‌داری زنان دانشجو و عوامل اجتماعی مؤثر در آن؛ مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران»، *فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده*، د ۱۹، ش ۷۳، ص ۱۵۱-۱۲۵.
- خلیل‌فر، م؛ کاظمی، س. و جاویدی، ح. (۱۳۹۲). «مطالعه تأثیر سبک فرزندپروری والدین بر سبک جهت‌گیری مذهبی در دانش‌آموزان پایه سوم دوره متوسطه شهر شیراز»، *پژوهش‌نامه تبلیغی*، ش (۱) ۱، ص ۸۲-۵۷.
- خوش‌فر، غ. و ایلواری، م. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر دین‌داری؛ مطالعه موردی: زنان متأهل ساکن شهر گرگان»، *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر*، ش (۲۸) ۹، ص ۱۴۸-۱۲۱.
- خوش‌فر، غ. و محمدی‌نیا، م. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین ساختار قدرت در نهاد خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی؛ مورد مطالعه: خانواده‌های ساکن شهر گرگان»، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ش ۳، ص ۱۲۹-۹۵.
- ربانی، ر. و بهشتی، ص. (۱۳۹۰). «بررسی تجربی رابطه دین‌داری و رضایت از زندگی»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش (۱) ۸، ص ۱۰۲-۷۹.
- رضادوست، ک؛ حسین‌زاده، ع. و مصطفایی‌دولت‌آباد، ح. (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان دین‌داری دانشجویان؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، *فصلنامه*
- برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۰، ص ۱-۳۸.
- زاکرم‌ن، فیل. (۱۳۹۶). ترجمان، ترجمه: مهدی ذوالقدری، ۱۳۹۶/۵/۲۹، بازیابی از ترجمان: <http://tarjomaan.com/vdcf.tdcw6dxygiaw.html>
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۴). «زن، قدرت و خانواده، پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده»، *پژوهش زنان*، ش (۲) ۱۲، ص ۵۰-۲۹.
- سراج‌زاده، ح. (۱۳۷۸). «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولارشدن»، *نمایه پژوهش*، ش ۱۰ و ۹، ص ۱۱۸-۱۰۵.
- سراج‌زاده، ح. و رحیمی، ف. (۱۳۹۲). «رابطه دین‌داری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی»، *راهبر فرهنگ*، ش ۲۴، ص ۳۰-۷.
- سفیری، خ. و نعمت‌اللهی، ز. (۱۳۹۱). «رابطه ابزارهای جهانی‌شدن و هویت دینی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ش ۱، ص ۷۰-۳۹.
- سیفی‌گندمانی، م؛ کلانتری‌میبدی، س. و فتح، ن. (۱۳۸۸). «سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده و تأثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکرد نو به فرزندپروری»، *اصول بهداشت روانی*، ش ۳، ص ۱۹۴-۱۸۵.
- شجاعی‌زند، ع. (۱۳۸۱). «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۱، ص ۶۶-۳۳.
- صادقی، م. و مظاهری، ع. (۱۳۸۶). «کیفیت ارتباط والد-فرزند: پیش‌شرط تربیت دینی فرزندان»، *خانواده‌پژوهی*، د ۳، ش ۹، ص ۴۹۰-۴۷۱.
- صادقی، م؛ پوراعتماد، ح. و مظاهری، م. (۱۳۸۸). «نقش ازدواج در سلامت عمومی زوج‌های جوان: مطالعه‌ای طولی»، *روان‌شناسی کاربردی*، ش (۲) ۱۰، ص ۲۴-۲.
- صالح‌آبادی، الف. و قندهاری، ع. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین

«بررسی وضعیت مشارکت اجتماعی جوانان و شناسایی علل و راهکارها»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ش ۳، ص ۳۴-۵.

محمدپور، الف؛ علی‌زاده، م؛ قادرزاده، الف. و قدرتی، ح. (۱۳۹۰). «بررسی اعتقادات دینی و جهت‌گیری عرفی‌گرا - بنیادگرایانه دانشجویان؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مرکز ساری»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، د ۲، ش ۶ و ۵، ص ۶۹-۹۸.

موحد، م. و کایدان، م. (۱۳۸۶). *جنسیت و جامعه‌شناسی دین*، شیراز: آوند اندیشه.

موحد، م؛ عنایت، ح. و مردانی، م. (۱۳۹۱). «مطالعه عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده؛ نمونه موردی: زنان متأهل شیراز»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، د ۱، ش ۳، ص ۱۷۸-۱۵۹.

میردار، ش. (۱۳۹۳). *سخنرانی معاون آموزشی دانشگاه مازندران در گردهمایی دانشجویان جدیدالورود:*

<http://www.umz.ac.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=127&newsview=3742>

میرزایی، د. (۱۳۹۶). *سایت خبری دعبل:*

<http://deabel.org/vdci5vaz.t1ay32bcct.html>

نایی، ه. و آزادارمکی، ت. (۱۳۸۵). «سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی؛ مطالعه موردی: جامعه شهری تهران»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش (۳) ۷، ص ۹۳-۷۶.

نوربخش، ی. و اویسی‌فردویی، ق. (۱۳۹۵). *دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده؛ بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران*، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ش (۱) ۷، ص ۲۸۳-۳۱۴.

نوروزی، ف. و فرهادیان، س. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر دین‌داری جوانان»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، د ۱۳، ش

میزان دین‌داری و نگرش به دموکراسی در بین شهروندان نیشابوری در سال ۱۳۸۹»، *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ش (۲) ۲، ص ۹۵-۱۱۸.

طالبان، م. و رفیعی‌بهبادی، م. (۱۳۸۹). «تحولات دین‌داری براساس تفاوت‌های نسلی در ایران»، *مسائل اجتماعی ایران*، ش ۲، ص ۸۵-۱۱۴.

عسکری‌ندوشن، ع؛ جهانگیر، ن. و نوریان‌نجف‌آبادی، م. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر رابطه طبقه اجتماعی و ساختار قدرت خانواده در شهر اصفهان»، *علوم اجتماعی*، ش ۱۶، ص ۱۸۷-۲۱۶.

علی‌دوست، الف. (۱۳۹۶). «چرا تعامل مردم با مساجد کم شده است؟» ۱۳۹۶/۶/۲۸، بازیابی از قم فردا:

<http://www.qomefarda.ir/news/200479>

فرجی، م. و کاظمی، ع. (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت دین‌داری در ایران: با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ش ۶، ص ۷۹-۹۵.

قدردان‌قراچی، م. (۱۳۸۹). «تأملی در کارکرد دین»، *فصلنامه حکمت و فلسفه*، ش ۱، ص ۷-۳۴.

قمری، م. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه دین‌داری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل»، *روان‌شناسی و دین*، ش (۳) ۳، ص ۹۱-۷۵.

کلانتری، م. و کلانتری، ع. (۱۳۹۱). «دین‌داری در نسل‌های مختلف؛ مطالعه موردی: شهرستان ساری»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ش (۲) ۱، ص ۲۰۰-۱۷۳.

گزارش. (۱۳۹۶). *آموزش دانشگاه مازندران.*

گلابی، ف. و اخشی، ن. (۱۳۹۴). «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، د ۲۶، ش ۳، ص ۱۳۹-۱۶۰.

محسنی‌تبریزی، ع؛ عباسی‌قادی، م. و کمری، ع. (۱۳۸۶).



- Journal for the Sointific Study of Religion, 38: 23-38.
- Stark, R. & Bainbridge, W. S. (1980) "Towards a Theory of Religion: Religious Commitment." *Journal for the Scientific Study of Religion*, 19: 114-128.
- ۲۳، ص ۷-۳۱.
- نویدینیا، م. و عابدینی، م. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر در پای‌بندی دینی جوانان؛ مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهرستان گرمسار، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، د ۱، ش ۲، ص ۵۵-۶۹.
- نیک‌خواه، ه. (۱۳۸۰). سنجش دین‌داری جوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ودیعه، س. و کنگرلو حقیقی، ب. (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر در گرایش دینی دانشجویان دختر»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، د ۳، ش ۱۰، ص ۹-۳۰.
- یزدخواستی، ب. و شیری، ح. (۱۳۸۷). «ارزش‌های پدرسالاری و خشونت علیه زنان»، مطالعات زنان، د ۶، ش ۳، ص ۵۵-۷۹.
- Abar, B. Carter, K. L. & Winsler, A. (2009) "The Effects of Maternal Parenting Style and Religious Commitment on Self-Regulation, Academic Achievement and Risk Behavior among African-American Parochial College Students." *Journal of Adolescence*, 32: 259-273.
- Baumrind, D. (1967) "Child Care Practices Anteceding three Patterns of Preschool Behavior." *Genetic Psychology Monographs*, 75 (1): 43-88.
- Dudley, R. L. & Wisbey, R. L. (2000) "The Relationship of Parenting Styles to Commitment to the Church among Young Adults." *Religious Education: the Official Journal of the Religious Education Association*, 95 (1): 39-50.
- Glock, C. Y. & Stark, R. (1965) *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
- Himmelfarb, H. S. (1975) "Measuring Religious Involvement." *Social Forces*, 53 (40): 606-618.
- Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970) "Determining Sample Size for Research Activities." *Educational and Psychological Measurement*, 30: 607-610.
- Sherkat, D. E. & Darnell, A. (1999) "The Effect of Parents' Fundamentalism on Children's Educational Attainment: Examining Differences by Gender and Children's Fundamentalism."

